

مسجد و آرامگاه جمال الدین، عشق آباد

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در عشق آباد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برخی معتقدند که این محل، همان محلی است که در منابع تاریخ با نام «باغباد» یاد شده است. مرحوم دهخدا می نویسد: «باغباد، محلی محدود به نسای خراسان» [دهخدا، لغت نامه، واژه باغباد]، و با استناد به کتاب عالم آرای عباسی، چنین آورده است: «حاجی محمدخان، ولایت نسا و درون و باغباد را از تصرف

محل تاریخی «آنو»، در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد، پایتخت جمهوری ترکمنستان، قرار دارد. در منابع تاریخی، نامی از «آنو» برده نشده است؛ هرچند که نام تمامی شهرهای شمال شرقی خراسان در ارتباط با وقایع قرون ۱۶ و ۱۸ میلادی، آورده شده است.

این دو بنا احتمالاً خانقاه و مدرسه‌ای بودند، که با مسجدی، سه ضلع مجاور حیاطی را اشغال کرده بودند. طرح این ابنیه، استادی قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. پوششهای کاشیکاری این بناها بویژه کاشیهای درگاه بزرگ که تصویر یک جفت اژدها بر آنها نقش بسته است، بسیار جالب می‌باشد [گلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، ۱۳۹۹].

بر حسب کتیبه‌ها، این مجموعه را پسر شیخ جمال‌الدین، در دوران سلطنت ابوالقاسم بابر (۸۵۱ هـ. ق / ۱۴۴۷ م - ۸۶۲ هـ. ق / ۱۴۵۷ م) که ساخت مسجد مشهور بابری نیز با نام او ارتباط دارد، ساخته بود.

البته، اکنون پس از زلزله سال ۱۹۴۸ م، سقفهای آن ویران شده و از دیوارها نیز چندستونی بیشتر باقی نمانده است.

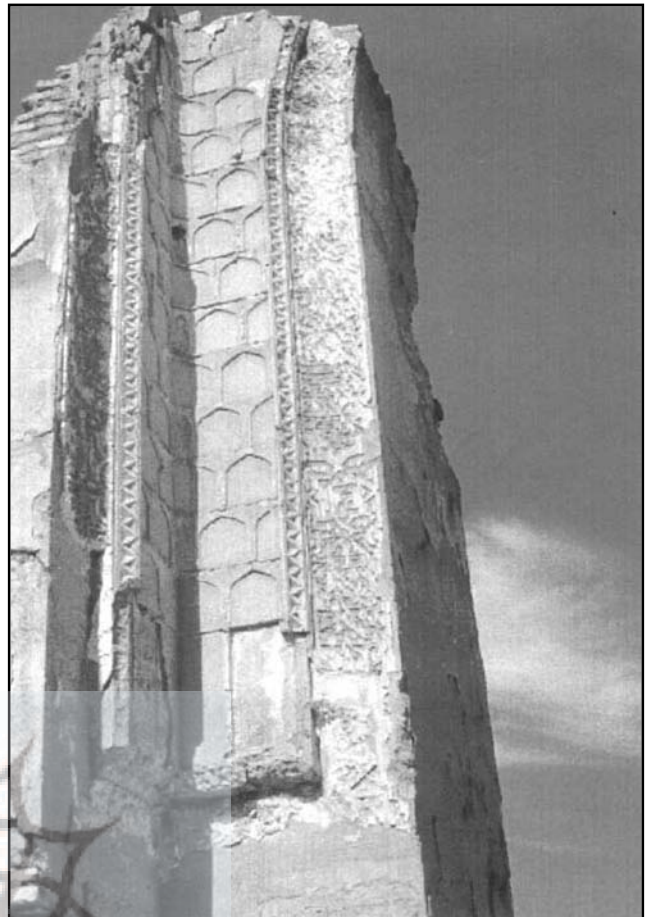
پس از مرگ شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۲۴ م، این شهر همراه شهرهای دیگر، به تصرف خوانین ازبک درآمد و تا آخرین دهه قرن ۱۶ م که آن را نوروم خان مروزی به تسلط خود درآورد، در دست آنها باقی ماند. در سال ۱۵۹۲ م، این شهر یک بار دیگر به تصرف خان خیوه و سپس عبدالله خان بخارایی درآمد.

پس از مرگ او در سال ۱۵۹۸ م، موقعیت قبلی احیا شد؛ خراسان به دست ایرانیان افتاد، و نوروم خان بازگشت. در اوایل قرن ۱۸ م، شاه عباس نوروم خان را سرنگون، و اراضی دولت او را به اراضی ایران صفوی ضمیمه کرد.

پس از درگذشت شاه عباس در سال ۱۶۲۹ م، این سرزمین بار دیگر در اختیار خان خیوه قرار گرفت. ولی به دلیل وجود حاکمان محلی، در اختیار او نماند. و تقریباً در اوایل قرن نوزدهم میلادی، نام جدید «آنو» ظهور کرد.

تپه باقیمانده از یک قلعه، قدمت بیشتری از ویرانه‌های شهر دارد. به اعتقاد بومیان محل، این استحکامات، از زمان خسرو اول بود. حفاریهای باستان‌شناسی نشان می‌دهد که زمان به وجود آمدن این تپه را می‌توان به قرن سوم پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی نسبت داد.

تمدن باستانی آنو، مراحل و اعصار مختلفی داشت. آغاز این تمدن، به هزاره پنجم پیش از میلاد (عصر کشاورزی)، سپس به عصر مفرغ نخستین در هزاره سوم پیش از میلاد مسیح، و بالاخره



نورمحمدخان بیرون آورده به معتمدان سپرده بود [عالم‌آرای عباسی، ۱۴۵۲].

نزدیک خرابه‌های این شهر تیموری، آثاری از نیسای پارتی قرار دارد. شهر تیموری، روی بقایای یک منطقه مسکونی که مغولان ساخته بودند، برپا شده بود.

تا پیش از زمین لرزه ویرانگر سال ۱۹۴۸ م، آنو یکی از نادرترین و تماشایی‌ترین آثار تاریخی اسلامی آسیای مرکزی؛ یعنی مجموعه‌ای شامل: مسجد و دو بنای گنبددار، را دربر داشت.





آخرین مرحله این تمدن (دوره تاریخ باستان) که مصادف با عصر مادها و هخامنشیان در ایران است، می‌رسد.

مسجد و آرامگاه شیخ جمال‌الدین

قبر احتمالی شیخ، در حیاط، مقابل سردر مسجد، قرار دارد. هیچ یک از بناهای فعلی، به نظر نمی‌رسد که آرامگاه باشد. محوطه پیرامون قبر شیخ، با قبرهایی پر شده است. درباره شیخ، هیچ چیز جز آنچه بر سر زبانهاست، معلوم نیست. در منابع تاریخی، نامی از او برده نشده است. احتمالاً، وی شخصیتی محلی بوده است. پسر او که مجموعه را ساخت، ممکن است محمد خدای داد، وزیر ابوالقاسم، و بعد وزیر حسین بایقرا باشد، که در ناحیه نسا فعالیت داشت.

توصیف ذیل بر اساس گزارش مشروح و بموقع پوکاچنکوا می‌باشد، که خود متکی بر تحقیقاتی است که درست یک سال پیش از حادثه زمین‌لرزه بزرگ، انجام گرفته بود.

«این مجموعه در سده‌های شانزدهم و هفدهم، با الحاق برجهای پلکانی در گوشه‌های جنوبی مسجد، مختصری تغییر و تبدیل یافته بود. یک مسئله راجع به اینکه آیا قصد بر این بود که مجموعه حیاطی از چهار طرف محصور داشته باشد، یا اینکه یک سوی آن باز باشد، هنوز باقی مانده است. نشانه‌هایی از ساختمان که بیانگر ادامه بنا در شمال واحدهای شمالی است، در حفاریها آشکار شد. وضع هر طور بوده است، این مجموعه هرگز به اتمام نرسید» [Pugachenkova, 1958, PP. 408 - 430].
در سال ۱۹۶۶م، صدمه زمین‌لرزه‌ای دیگر، این مجموعه را به تعدادی جزرهای مجزا تقلیل داد.

ویژگی فضای معماری

این مجموعه، مشتمل بر یک تالار مربع بزرگ - با ضلعهای ۱۰/۵



متری - با محراب، که از طریق پیش طاق بزرگی وارد آن می‌شدند و با زاویه قائمه به دو بنای چندطبقه متصل بود. تالار، شش محراب داشت. بدون شک، این مسجد بر روی صفا ای برپا شده بود تا با شیب تپه‌ای که مسجد داخل آن قرار داشت، تطبیق کند. این تپه، در حقیقت بقایای دیوار شهر قدیم آنو می‌باشد. این سکو که ادامه صفا پشت دیوارهای خارجی مسجد بود، اتاقهای کوچکی به شمار می‌رفت.

این اتاقها، احتمالاً مورد استفاده زوار قرار می‌گرفت. طرح مسجد، مربعی بود با شاه‌نشینهای وسیع طاقدار. در درون این شاه‌نشینها، سه مرتبه طاقنما با روزنه‌هایی در عقب قرار داشت. در قسمت زیرین، دو طاقنما در عرض قرار گرفته است. در قسمت سوم، یک طاقنما وجود دارد. همین طرح، بر روی هر سه دیوار دیده می‌شود. بر روی دیوار قبله، طاقنماهای زیرین برای اینکه برای محراب جایی فراهم شود، باریکتر است.

از منطقه زیرین طاقنماها، درهایی به روی صفا که بام پایه بود، باز می‌شد. این محوطه، ظاهراً توسط طره یا سایه‌بانی که بر روی ستونهای قرار داشت، پوشیده بود.

پلکانی از طرف اتاقهای پهلوی درگاه، به غرفه‌هایی در سمت شمال منتهی می‌شد. درست بگوییم، هیچ غلام‌گردشی وجود نداشت، زیرا طاقنماها همگی با هم ارتباط داشتند. می‌توان علت وجود وسیله دسترسی جداگانه به غرفه‌ها را، احتیاج فیزیکی جدایی زن و مرد در مسجد دانست.

محوطه غلام‌گردش، در بسیاری از مساجد تیموری فراهم شده بود. بالای پیش‌طاقی، یک رواق سه مرتبه‌ای شامل هفت طاق وجود داشت. رواق فوقانی، به سوی حیاط باز می‌شد. این رواق در دو طرف خود، برجهایی داشت که شامل پلکانی مارپیچ بود. روشن نیست که این برجها در اصل، آن طوری که پوکاچنکوا نظر داده است، مناره‌های بلندی بودند، یا گلدسته‌های ساده‌ای نظیر آنچه در ایوان شرقی گازرگاه می‌باشد، به شمار می‌رفتند. این پیش‌طاق، در دو طرف خود، جناح‌هایی با سه طبقه داشت، که سه مرتبه طاقنماهای داخلی را کامل می‌کرد. طاقنماهای پایینی در پشت خود، دارای اتاقهایی بودند، که به پله‌ها دسترسی داشتند. چون رو به پیش‌طاق بایستید، اتاق سمت راست، مربع شکل با دهانه نیم‌هستی بود، که به سمت شمال غرب ادامه می‌یافت. قوسی، اتاق سمت چپ را به دو بخش نامساوی تقسیم کرد و



بناهایی برای آسایش زوار و طلاب ساخته شود، یا اینکه احتمال داشت زیارتگاه گازرگاه الگو بوده تا مطابق آن، حیاط در بقیه قسمتهایش دارای نمای مرکب از طاقهای ساده باشد.

طاقها

منطقه انتقالی زیرگنبد مسجد، در پشت ردیفهای زیاد مقرنس گچی پنهان مانده بود. سیستم نگهدارنده این منطقه انتقالی یا ترکیبی از چهار قوس دیواری و چهار قوس متکی، یا یک سیستم فیلیوشی بود که از الوارهای چوبی استفاده کرده بودند. آرایش و تزئین، بیشتر در طرز طاق زنی بناهای جانبی، به کار رفته بود. غلام گردشهای تالارهای مرکزی، به صورت منطقه هشت ضلعی انتقالی به کار می رفت. قوسهای متکی بین هشت قوس این مناطق، تشکیل یک طوق شانزده ضلعی را می داد، که در تالار جنوب شرقی، مشتمل بر یک رواق با هشت پنجره بود. در عمارت شمال شرقی، طاقهای کوکبی پیچیده تر و طرحهای پرکاری با گچ به کار رفته بود، بویژه نواحی گوشه ای (غلام گردش)، قابل توجه می باشد. این نواحی مثالی شکل، به یک طاق کوکبی ده پره ای و نیم گنبدی که یک طرح کاربندی قوس پیچیده ای را تشکیل می دهد، پوشیده بود.

تزئینات

هر چند از این بنا چیز کمی به جای مانده است، لیکن تا سال ۱۹۶۶م، هنوز پوششهای تزئینی، روی جرزه های درگاه دیده می شد. پیش طاق مسجد، با آجر تراش یا سفال که با بندهای پهن از یکدیگر جدا شده، با صفحات کاشی معرق زینت یافته است. حاشیه اسپرها را باریکه های کاشی آبی روشن در ردیف افقی و تراش عمودی، احاطه کرده است. در بعضی از طرحهای هزارباف، از همان روش آجر چینی معمولی با طرح هندسی کاشی مشابه ته آجری استفاده شده است. طرح های دیگر هندسی، دارای همان حاشیه باریکه های کاشی لعابی و زمینه ای از آجر تراش است که مانند حاشیه چیده شده است. در طرحی بر اساس ستاره ده پر، تعدادی ستاره هم مرکز در داخل طرح مختصر اصلی دیده می شود. خطوط، در جهت خلاف با بندهای پهن بین آجر چینی ها به وجود آمده اند.

پیرامون قوس درگاه، یک نوار هزارباف کمیابی مرکب از کتابتی

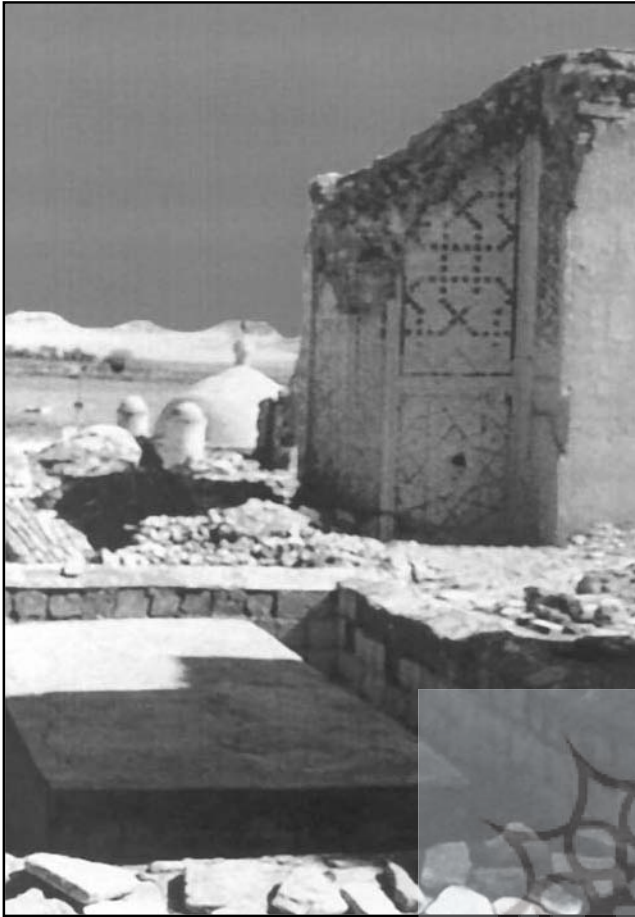
بدین طریق یک دهانه مستطیل و یک دهانه مربعی را به وجود آورد. این اتاق از سمت جنوب شرقی، به بنایی ارتباط داشت. از مشخصات هر دو بنای جانبی، یک گنبد بزرگ مرکزی بود، که با اتاقهای کوچکتری در دو سطح، احاطه شده بود. لیکن ترتیب این اتاقها و ارتباط آنها با فضای مرکزی، تفاوت داشت. عمارت شمال غربی در یک محوطه مربع شکل قرار داشت، و در اساس نسبت به دو محور بنا متقارن بود.

و نیز، تعدادی دهانه ثانوی در سه محور دیگر وجود داشت. گنبدخانه مرکزی، مربعی به ضلع ۸/۶ متر بود. این گنبدخانه، دارای طاقنماهای عمیق در هر محور و دهانه های باریکتری در گوشه ها بود، که به دهلیزهایی ختم می شد. این دهلیزها مربع کوچکی را تشکیل می دادند، که گوشه های مربع بزرگ را پر می کردند. کاربرد این عناصر معماری، روشن نیست. طبقه دوم منطقه انتقالی را از مربع، به هشت ضلعی مبدل کرده، و به طرف فضای مرکزی کاملاً باز بود. همچنین، اتاقی روی دهلیز قرار داشت، که از غلام گردش بدان راه می یافتند.

بنای جنوب شرقی، یک گذرگاه وسیعی تقریباً ممتد در پیرامون گنبد مرکزی داشت. این گذرگاه از طریق سه قوس در اضلاع جنوب شرقی و جنوب غربی و از طریق قوسهای محور بر روی اضلاع دیگر، به سوی فضای مرکزی باز بود. گذرگاه به طور یک در میان، به دهانه های مستطیل و مربع شکل تقسیم می شد. دهانه هایی به اشکال مشابه، در غلام گردش فوقانی قرار داشت. هر یک از دهانه ها، روزه ای داشت که به عنوان در یا پنجره از آنها استفاده می شد. بجز دهانه های پیرامون حیاط که از این قاعده مستثنی بودند، دهانه محوری در اینجا درگاهی داشت که از طریق طاقنمای کم عمق در حیاط، وارد آن می شدند. تحلیل سبک ساختمانهای واقع در شمال عمارت، روشن نیست. لیکن بازسازی که از آن به عمل آمده، نظم مشابهی را مانند ترتیب بنای دیگر می رساند؛ یعنی، ورودی آن از طریق ایوان حیاط بود.

اینکه هر دو بنا، ایوانی به سوی حیاط داشتند که در راستای حدود شمال شرقی بناها بود، می رساند که مقصود از این ایوانها، ایوانهای محوری در وسط اضلاع بلند حیاط بوده است. احتمالاً بقیه حیاط به این دلیل بنایی نشده بود، که می خواستند پیرامون آن،





از یک سلسله شمشه‌های کشیده است، که دو سطر از نوشته‌ای به خط کوفی مایل را دربر دارند.

برای اسپرهای بزرگ لچکیهای پیش طاق، که دیگر وجود ندارند، از کاشی معرق استفاده شده بود. در این اسپرها، دو اژدهای پرپیچ و تاب رسم گردیده بود. مطابق نوشته پوگاچنکوا، محراب در اصل با کاشی معرق مستور بود. یک حاشیه غیر متداول و بسیار نادر از جنس کاشی معرق، اطراف مدخل مسجد قرار دارد. این، یک طرح درخت موّاج به شکل یک گیاه سیاه گوستی با خار آبی نازک بر روی یک زمینه زرد روشن است. پوگاچنکوا تصور می‌کرد که این طرح، مأخوذ از حواشی قالی است. اسپرهای بزرگ کاشی معرق به صورت مربعی با یک قشر ملات گچی کلفت - حدود ۹ تا ۱۰ سانتیمتر - به وسیله میخهای سربی چسبانده شده است. به نظر می‌رسد که ته‌رنگی از گچ، در تالارهای گنبد وجود داشت، لیکن طرح اصلی برای تزئین این بناها هرگز به اجرا درنیامد. دیوارهای مسجد، یک تزئین نیم‌برجسته گچی به انضمام کتیبه‌ای دارد. گنبد با یک طرح هندسی گچی بر اساس ده ضلعی، تزئین شده بود. پنجره‌های زیاد مسجد با شبکه‌های گچی با روپوش کاشی معرق و شیشه‌های رنگین، پر شده بود. قطعاتی از اینها، ضمن حفاری به دست آمده است.

مضمون کتیبه‌ها

۱. مضمون کتیبه روی درگاه: «در دوران سلطنت سلطان شاه بزرگ و قدرتمند امم ابوالقاسم بابر بهادرخان»
۲. مضمون کتیبه کاشی معرق روی جرزهای طاق: «این عمارت شریف و رفیع به نام شیخ جمال الحق والدین بنا شد. . . محمد جمال الحق والدین این عمارت را از مال مکتسب خود بنا کرد».

۳. مضمون کتیبه گچبری داخل آرامگاه روی طاق بزرگ در گوشه جنوب غربی: «تاریخ ۸۶۰ هـ. ق / ۱۴۵۵ م را نشان می‌دهد



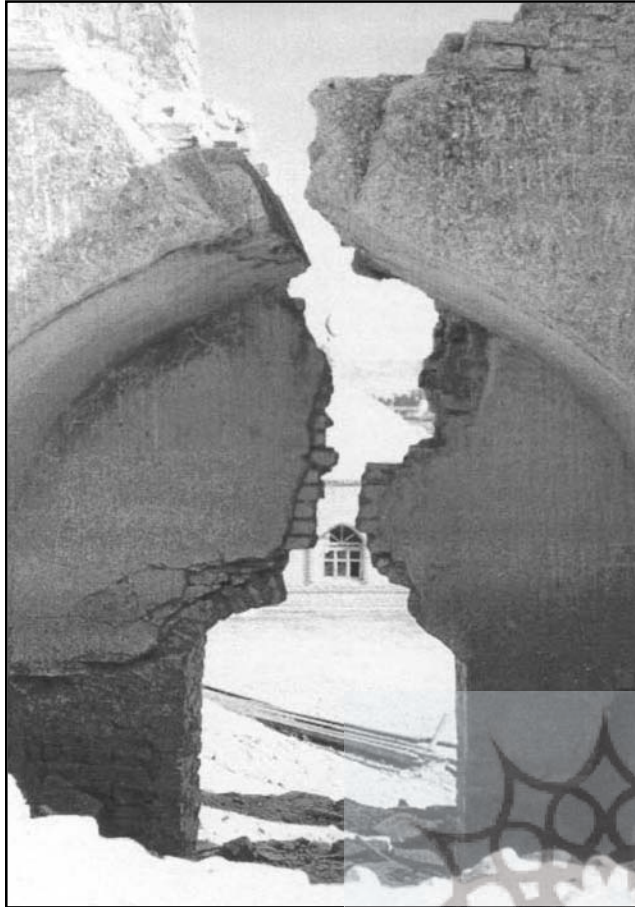
که کتیبه کامل، شعری از شاعر البصری در قرن سیزدهم میلادی، در نعت پیغمبر (ص) است». در تاریخهای دوره تیموری، نه از شیخ جمال الدین و نه از پسرش، محمد، ذکری شده است. به نظر پوگاچنکوا، ممکن است این شخص اخیر محمد خداداد باشد، که در ناحیه نیسا و در دوران پادشاهی ابوالقاسم، مصدر کار بود.

مقایسه سبک بنا

برای هیئت غیرمتداول این بنا که سه ضلع حیاط مشترکی را دربر گرفته است، هیچ نظر مشابهی وجود ندارد. در هر حال، می‌توان تصور کرد از ویژگیهای طرح کلی این بنا - همانند آن دسته از مجموعه‌های یادگاری متداول عصر تیموری - وجود مسجدی تدفینی، مدرسه‌ای و دیگر الحاقات بود. بررسی اشکال این مجموعه، مؤید این نظریه است.

مسجد را به بهترین وجه، می‌توان با ابنیه‌ای نظیر مسجد مولانا در تایباد - که در پشت قبر یکی از مشایخ مورد احترام دوره تیموری قرار دارد -، مقایسه کرد.

عمارت جنوب شرقی با غلام گردش اطراف تالار مرکزی، شبیه مسجد مظفریه تبریز و مسجدشاه مشهد است که هر دوی آنها از بنای آن دو، فقط پنج سال فاصله زمانی دارد. تفاوت عمده در آن است که هر دو طوری ساخته شدند، که شامل مقبره مؤسس باشد. بنابراین، دارای یک گنبدخانه اضافی است، که در پشت بنا افزوده شد، ولی از نظر فضایی به تالار مرکزی مربوط نیست.



اگر احتمالاً اینها مدرسه بودند، باید گفت که بنای واقع در آنو هم مدرسه است. تالار گنبددار دیگر، شبیه یک نوع بناست که اغلب آن را خانقاه دانسته اند؛ مانند خانقاه ابومسعود در اصفهان. عنصر معماری برجسته، غلام گردش ممتدی است که پیرامون محوطه مرکزی در طبقه دوم قرار داشت. این غلام گردش امکان می داد تا برای جماعت در جلسات عمومی مانند مراسم ذکر، جایی فراهم شود. طلاب و درویشهای ساکن مدرسه و خانقاه، پیرامون محیط برای سکونت، محلی می یافتند.

مجموعه قرن شانزدهم میلادی در چهاربکر بخارا، به بنای آنو شباهت بسیار نزدیکی دارد؛ به طوری که ممکن است آن را سرمشق مستقیمی تصور کرد. در چهاربکر حیاط بزرگی است که در سه ضلع آن، سه بنا قرار گرفته است؛ مسجدی در وسط خانقاهی، و مدرسه ای در دو طرف آن. شاید برای متناسب بودن به ویژگیهای محل، خانقاه و مدرسه، رو به طرف خیابان قرار گرفته اند تا به طرف داخل حیاط.

احداث یک حیاط سه ضلعی، ممکن است از سیمای غیرعمدی یک زیارتگاه ناتمام آنو الهام گرفته باشد. و نیز، ممکن است انسان حیاط سه ضلعی را مانند نوعی از بنا، مطابق آنچه در کوهسان اتفاق افتاده است، البته چنانچه آن را آن طور بازسازی کنند. در نظر خود مجسم نماید.

پوششها تزینی زیارتگاه آنو را می توان به تزینات عمارت عشرت خانه سمرقند، و نیز به بسیاری از آثار ترکمنی ایران مرکزی و تبریز، مربوط دانست. قطعات مربع شکل کار گذاشته شده که شامل نامهای مقدس می باشد، و به طور مایل در یک زمینه آجر تراش نصب شده است، در بنای تبریز یافت می شود.

گیاه سیاه رنگ گوشتی، با پیچکهای نازک خساردار به شکل نسبتاً متفاوت، در تبریز وجود دارد. در مرمت طاق قبله مسجد جامع اصفهان در سال ۸۸۰ ه. ق / ۱۴۷۵ م به وسیله اوزون حسن، کاربرد همان نوع ته آجریهای مربع شکلی که در زمینه آجر تراش طرحی را تشکیل می دهد، دیده می شود.

درباره طاقها، گنبد مسجد با استفاده از فنونی که حدود سال

۸۰۳ ه. ق / ۱۴۰۰ م - به عنوان مثال، آرامگاه سرای ملک خانم - در سمرقند متداول بوده، به کهنه گرایی متمایل است. طاقهای کوچک کوکبی با طرح های کاربردی، بسیار شبیه طاقهای کوکبی عشرت خانه و همچنین ابنیه دیگر ایران است؛ که درباره تزینات از آنها هم یاد شد.

وضعیت کنونی آرامگاه

اکنون، این مکان در ۱۴ کیلومتری مسیر جاده عشق آباد به سمت شهر مرو، با یک فرعی یک کیلومتری و در سمت چپ جاده قرار دارد. البته، جهانگردهای کشورهایی همچون: اسپانیا و فرانسه، برای بازدید آن مکان به آنجا می روند.

یک روستایی با یک زندگی ابتدایی، در آنجا برای حفاظت از این مکان زندگی می کند. آرامگاه که دیگر مخروبه شده، محل زیارت برخی از اهالی عشق آباد است که بر اساس اعتقادات خود با بستن پارچه هایی بر روی چوبی، طلب حاجت می کنند.

مزاری نیز در وسط بنا به شکل مستطیل، سیمانکاری شده که بنا به گفته مسئولان میراث فرهنگی ترکمنستان، مزار جمال الدین است.

اکنون، در حوالی این تپه و آرامگاه، کشاورزی وجود دارد.

منابع:

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه
۲. گلنیک، الیزا و ویلبر، دونالد، معماری تیموری در ایران و توران

